

بسم الله الرحمن الرحيم

اللهم صل على محمد و آل محمد

خلاصه کتاب ساختار وجودی انسان

مقدمه

* □ این کتاب با هدف ایجاد تزکیه ، با عنایت به آیات و روایات تدوین شده است

﴿ * زکو * به معنای دور ساختن آنچه حق نیست و خارج کردن آن از متن سالم است و این مانند برطرف کردن رزایل و بدی ها از انسان و محیط اجتماعی است . (مانند خارج کردن حقوق مردم از مال خویش یا خارج کردن باطل از متن حق است)

* □ فرق این کلمه با واژه های تطهیر و تهذیب در این است که در * تطهیر * نظر به « پاک شدن از پلیدی هاست » و در * تهذیب * نظر به « حاصل شدن اخلاص و صلاح است » ، اما در * تزکیه * نظر به « دور ساختن آن چیزی است که لازم است دور شود » .

* □ مطالعه این کتاب در جهت ارائه ساختار نظام مند نگاه ثقلین (قران و عترت) به انسان است

درس اول

* تحلیل مراحل وجودی انسان *

﴿ آیات (قران) و روایات (اهل بیت) انسان را به شناخت حقیقت خود و کمال حقیقی اش راهنمایی می کنند و این دو منبعی بی نظیر در دستیابی انسان به شناخت ، باور ، خصلت های نیک و رفتارهای پسندیده هستند .

﴿ قران و روایات ، حقیقت انسان را بسیط می داند (نه مرکب و قابل جزء شدن) . و درک این حقیقت ، به انسان کمک می کند که در هر حالتی که هست ، ذات و گوهر خود را الهی بداند .

﴿ حقیقت انسان نه مذکر است و نه مونث بلکه نقش او است و درک این حقیقت باعث می شود برای زن یا مرد بودن خود کسب افتخار یا فهم حقارت نکند .

﴿ حقیقت هر انسان ، نفخه الهی است که از بدو تولد تا حیات ابدی ، قرین و همراهش است .

* □ انسان در طول زندگی مادی خود ، مهمان توان های جسمی ، غریزی و حیوانی خود است و مواهب دنیایی تا زمان مشخصی در اختیار اوست ﴿﴾ درک این حقیقت به انسان کمک می کند تا دلبسته به دنیا نشده و محنت ها و بلاهای دنیا را عامل پیشرفت خود بداند .

* □ زندگی انسان و امکاناتش به دو دسته مقدمه ای (نعمت های دنیایی و جسمی) و حقیقی تقسیم می شوند . استفاده بهینه از نعمت های دنیا شرط رسیدن به حیات حقیقی است .

* □ همه انسانها از سرشتی ثابت برخوردارند و ملاک کرامت ، تقوا و پرهیزکاری است .

* □ در ساختار انسان (حقیقتی متشکل از جسم و جان) ، قوایی به عنوان ابزار گیرنده عمل می کنند که منجر به علم و ادراک در او می شوند و همچنین نیروهایی به عنوان ابزار کننده عمل می کنند .

* □ کمال حقیقی در گرو * علم و عمل * است و کمال او ، تجلی اسماء الهی و رسیدن به مقام خلیفه الهی است .

✿ آیات و روایات با توجه به ساختار وجودی انسان به چهار دسته کلی تقسیم می شوند :

◆ گروهی که به قوانین ثابت هستی می پردازند.

◆ گروهی که به نحوه شکل گیری ادراک در انسان اشاره می نمایند و او را در بدست آوردن انواع علم حضوری و حصولی راهنمایی می کنند

◆ گروهی که به مراتب فعل و عمل و خصلت ها و ذائقه های انسان اشاره می کنند

◆ گروهی که حب و بغض و توجه کلی انسان را نسبت به خود ، قوا و نعمت های درونی و بیرونی متوجه نموده و او را از غفلت و نسیان ، خارج و به مرحله ذکر می رساند .

✿ تفکیک مراحل مختلف وجودی انسان ، می تواند در شناخت گره های اعتقادی ، اخلاقی و رفتاری او نقش موثری داشته باشد .

نکات درس دوم ساختار وجودی انسان

◆ در این عالم حقایق ثابتی وجود دارد که بر تمام عالم سیطره دارد و استفاده درست از حقایق ، منجر به هدایت و غفلت نسبت به حقایق ، گمراهی ابدی را منجر می شود .

❖ لازم است حقایقی که در رابطه با هدایت‌مان هستند ، به عنوان معیارهایی برای رفتار و باور خود در نظر بگیریم ، این امر باعث رشد و تکامل بر مبنای نقشه الهی می شود .

❖ میزان کمال و پیشرفت انسان وابسته به میزان علم و ادراکش در نشئه دنیاست.

❖ علم و ادراک بصورت بالقوه در انسان موجود است ، پس از مشاهده پدیده ها و رخدادها ، در صورت رجوع به آن ، فعال می شود .

❖ آنچه از علوم که در قران و روایات آمده ، برای انسان جنبه یادآوری ، هدایت و روشننگری دارد .

❖ با فعال شدن هر دانشی ، انسان به ذکری نائل می گردد و حقیقتی را می تواند به وضوح در خود مشاهده کند .

❖ از آنجا که انسان از سویی دارای نیازهای متنوع و از سوی دیگر دارای اجل است ، نمی تواند کشف حقایق را به لحظه های نیاز خود واگذار کند .

❖ آیات و روایات با ایجاد طهارت و پاکی ، زمینه های فهم علوم و حقایق را در انسان فراهم می نمایند .

❖ حقایقی که انسان را به قرب الهی و کمال حقیقی اش می رساند ، فقط در صورت داشتن طهارت نفس برای او حاصل می شوند .

❖ حقایقی که انسان آنها را درک می کند ، مربوط می شود به :

هستی و هستی آفرین

وجود خود ، قوا و توان ها

مسائل مربوط به دیگر موجودات

حقایق موجود در هستی

قواعد زندگی کردن ، رسیدن و ماندن در کمال

حقایق مربوط به محیط فعلی زندگی

حقایق مربوط به محیط بعدی زندگی

❖ هر آیه و روایتی به صورت گزاره خبری ، از حقیقتی از حقایق عالم پرده بر می دارد

❖ برای انتخاب آیات و روایاتی که بیانگر حقایقند به قالب های ادبی زیر توجه کنید :

جملات اسمیه بخصوص اگر با تاکید آورده شوند

جملات شرطی

جملاتی که در معنای شرط هستند

درس سوم ساختار وجودی انسان

✿ شناخت هستی و هستی آفرین (خداوند) بصورت * اجمالی * و کلی از بدیهیات است و احتیاج به دلیل ندارد و شناخت خداوند بصورت * تفصیلی * و جزعی ، اصل کلید هدایت انسان است ، ایمان به او را به همراه دارد و سر منشاء همه خوبی ها در انسان است.

✿ قرب به خدا ، رسیدن به لقای پروردگار و درک وجه الله تنها با علم و معرفت خداوند حاصل می شود و آیات و روایات و ادعیه ، چراغ راه انسان در شناخت خداوند هستند .

✿ یکی از راه های شناخت خدا که تاکید شده ، در این است که انسان بداند محبوب او چیست ، مسلماً دوست داشتن خدا به معنای * تاثیر و تاثر * در او نیست ، بلکه به معنای این است که در صورت بروز برخی صفات ، انسان به خداوند * نزدیک * و با بروز برخی دیگر از او * دور * می شود .

✿ یکی دیگر از راه های شناخت خدا که بر آن تاکید شده ، این است که انسان بداند خداوند خلقت کدام پدیده را به خود نسبت می دهد . نسبت دادن برخی از پدیده ها به خدا به معنای این است که انسان می تواند از طریق این پدیده ها بیشتر خدا را بشناسد .

✿ یکی دیگر از راههای شناخت خداوند در این است که انسان بداند خداوند دارای چه صفاتی نیست (تسبیح) و همینطور بداند خداوند دارای چه صفاتی است . صفات خداوند گاه بصورت مفرد و گاه بصورت دوتایی ذکر شده است .

✿ برای شناخت خدا ، شناخت * خود * ضروریست . اولین آسیب فراموشی خدا ، فراموشی خود است که باعث بی تقوایی می شود و شناخت انسان در جهت کامل آن می تواند انسان را در مسیر شناخت صفات خدا ، مدد کند .

✿ لایق بودن خداوند برای پرستش نه تنها از این جهت است که او خالق و ربّ موجودات است بلکه از این جهت ، که در مقام غیر اضطرار ، غیر او را نمی توان خواند و همه بصورت بدیهی او را می شناسند . (ع) همه

وجود خدا را پذیرفته اند اما همراه با او موجودات موهومی را ترجیح می دهند که دارای دارای نفع و ضرر نیستند .

✿ اصل توحید در معنای * هو ، انت و انا * است . در آیات هرگاه مخاطب ، غایب در نظر گرفته شود با ضمیر * هو * (مخاطب عام و در حال تعلیم) و آنگاه که مخاطب، حاضر فرض شود با ضمیر * انا * (خدا با انسان کامل صحبت می کند) و هرگاه از قول مخاطب به وحدانیت الهی اذعان شود با ضمیر * انت * (انسان کامل با خدا سخن می گوید) ، یاد می شود .

درس چهارم ساختار وجودی انسان : * از حواس تا علم : حس و خیال *

* □ قبل از رسیدن به علم ، مراحل وجود دارد . حواس ، خیال ، وهم و عقل . که مراتب علم حصولی هستند و تعقل و الهام منشاء علم حضوری است .

* □ خداوند در انسان قدرت یادگیری قرار داده است که می تواند با استفاده از آن قوا به مجهولات خود دست یابد . علاوه بر قدرت یادگیری ، می تواند شاهد توانمندی ها ، معلومات و قدرت خود باشد ، آنها را مشاهده و حضورشان را درک کند .

* □ برای رسیدن به علم و ادراک ابتدا باید از حواس استفاده کرد . با حواس ، محیط بیرون قابل لمس و مشاهده می شود . فعال کردن قوای حسی ، استفاده درست از آنها و پاک کردن محیط عملشان ، سهم بسزایی در بسط و گسترش علم در فرد دارد .

* □ قوه تصویرگری انسان ، به او اجازه می دهد که همانند حواس در عالم طبیعت ، در عالم مثال نیز قدرت درک ، بینایی ، شنوایی ، چشیدن و را داشته باشد .

* □ ارتباط انسان با عالم طبیعت با حواس و با عالم مثال با قوه تصویرگری اوست که به * خیال * معروف است . عالم مثال ، عالم واسطه بین طبیعت و عقل است که کار آن انتقال حقایق به انسان است .

* □ کلمات بیان شده در قران و روایات درباره حس ، حقیقتی از جنس شهود قرار دارد . می خواهند ما را از حس های ظاهری به حواس شهودی راهنمایی کنند .

* □ بالا رفتن قوه خیال بطور مثبت ، باعث بالا رفتن تفکر و میزان شهود انسان می شود . با این قوه امکان بازسازی صحنه های داستان و ایجاد شرایط جدید برای آن ، امکان پذیر است . و همینطور امکان بررسی حالات مختلف یک اتفاق از منظرهای مختلف وجود دارد . و یا خود را بجای شخصیت های داستان قرار داده و با فضا سازی ، امکان فهم بهتر مطالب فراهم آید .

* □ آیات بهشت و جهنم در بالا بردن قوه خیال و رساندن این قوه به شهود ، بسیار موثر است . استفاده از تمثیلات نوعاً برای تقویت قوه خیال ، بالا بردن قوه تفکر و شهود مطالب صورت می گیرد . با دانستن فضای نزول آیات ، می توان خود را بجای شخصیت مثبت یا منفی آیات قرار داد .

* □ در نظر گرفتن غرض سوره ها برای شهودی کردن داستان ها و مثل ها ضروری است .

واژگان قران و روایات که به تاثیر حواس بر ادراک اشاره دارند :

* سمع * (درک کردن صدا با گوش) _ * بصر * (علم پیدا کردن با چشم دل) _ * نظر * (دیدن دقیق با چشم یا بصیرت) _ * رای * (هر نوع نگاه ، با چشم ، خیال ، شهود) _ * ید * (قوه مجریه) _ * جلد * (پوستی پوشاننده و محافظت کننده) _ * جوع * (گرسنگی) _ * ذوق * (چشیدن یا لمسی یا حسی) _ * طعم * (خوردن یا آشامیدن با اشتها و ذوق) _ * اکل * (به معنای رسیدن به چیزی با از بین رفتن صورت آن است) _ * شرب * (آشامیدن) _ * سقی * (تهیه نوشیدنی و میل کردن آن) _ * عذب * (چیزی ملایم طبع) _ * عذاب * (چیزی که ملایم طبع نیست) _ * بشره * (پوست ، انبساطی که در چهره پیدا می شود) _ * لمس * _ * مس * (قرار دادن چیزی بر چیز دیگر خواه ارادی یا خواه غیر ارادی) _ * مسح * (کشیدن چیزی بر چیز دیگر) _ * وجه * (چیزی از شیء که بوسیله آن توجه صورت می گیرد ، روبرو شدن) _ * عمی * (نداشتن چشم) _ * غشی * (پوشاندنی که چیزی را بطور کامل فرا گیرد)

♥ □ در آیات نورانی قران استفاده از اسماء اشاره ، به صورت مفرد و جمع یا دور و نزدیک ، عمدتاً به مشاهده های شهودی و حضوری دلالت دارند .

♥ □ از ضمائر مخاطب بر شهودی کردن مطلبی دلالت دارد که فرد خود را در موقعیت قرار دهد.

♥ □ تغییر خطاب در آیات از غایب به مخاطب و بالعکس و از جمع به مفرد و بالعکس ، یکی از راههای تقویت خیال است .

درس پنجم ساختار وجودی انسان

* وهم و عقل *

🌲 پس از اینکه حواس انسان ، مطالب را از محیط خارج برداشته و به قوه خیال سپرد ، اینک نوبت ارتباط دادن آنها با هم است ، این ارتباطات ابتدا با قوه وهم به صورت گزاره های خبری انجام می گیرد .

🌲 جملات خبری که ابراز می شود و یا در ذهن مرور می شود ، حاکی از ارتباطی است که بین دو یا چند چیز در وجود انسان ، داده شده است . این ارتباط ممکن است با خارج ذهن انطباق داشته یا نداشته باشد ، بدین ترتیب ، * صدق و کذب * معنا می یابد .

🌲 جملات خبری در قرآن که به مورد و مصداق خاصی اشاره دارد ، فعال کردن قوه وهم در جهت مثبت است و مواردی که با درک تصویری همراه است ، مربوط به قوه خیال است.

🌲 وهم و خیال ، توان و نیروهایی به مراتب قوی تر از نیروهای حسی هستند که در صورت استفاده درست ، انسان را به کمال و در غیر اینصورت ، او را به تیره بختی می کشانند . و تا جایی این دو قوه بر حواس اثر گذارند که می توانند دردی را ایجاد و زایل نمایند و یا حسی را به کار انداخته یا از کار بیاندازند .

□ قوه * تعقل * ، عهده دار ارتباط بین تصاویر و مفاهیم با حقایق کلی و حقیقی است . گزاره های عقلی باید به عنوان معیارهای حقیقی زندگی مورد توجه واقع شوند و در صورتیکه فرد نتواند قوه تعقل خود را فعال نماید ، مجبور می شود در تصمیم گیری ها به گزاره های وهمی خود رجوع کند .

□ فعال کردن قوه تعقل برای برخورداری انسان از حیات معنوی ، امری ضروری است . و باید با همت و عزم و با بکارگیری تفکر ، علم و عمل به خیر ، قوه تعقل را تقویت نماید ..

□ با فعال شدن قوه تعقل ، انسان خیر گزین می شود و در تصمیم گیری ها ، بهترین گزینه را انتخاب می نماید . در مقام تعقل انسان بین * هست ها * و * هست نماها * تمایز قائل شده که به * بیان * تعبیر می شود . بنابراین آنچه باعث واضح و آشکار شدن امور مبهم می شود ، * بینه * می گویند .

□ به عدم رجوع به عقل ، * جهل * می گویند که از آثارش ، عدم علم است . زیرا شناخت قطعی تنها با مراجعه به عقل امکان پذیر است . و به شناخت حاصل از قوه وهم ، * ظن * گفته می شود .

◀ □ کسانی که نتوانند از قوه تعقل خود بهره ببرند ، دچار * رجس * یا آلودگی شده و به * خُبْث * یا پلیدی تبدیل می شوند .

◀ □ * سحر * به معنای « ندیدن حق و حق دانستن باطل است » که در هنگام تعطیل بودن قوه تعقل ایجاد می شود . * شک ، وسوسه ، ریب (بددلی) ، طبع و ... * حاصل از نبود تعقل و باعث بیماری قوه خیال و وهم می شود

◀ □ برای رسیدن به بینه و آشکار شدن حقیقت هر رخدادی ، لازم است پس از درک حسی ، خیالی و وهمی عناصر مرتبط با آن ، گزاره های حقیقی مرتبط با آن را در محور * توجه ، تصمیم و عمل * قرار داد.

◀ □ قوه تعقل پس از کشف ارتباط بین دو چیز ، می تواند ارتباط آن را با موارد مشابه دریافت کرده ، به گزاره های دیگر ارجاع داده یا آن را تعمیم دهد و عمومی بودن آن را بپذیرد .

◆ گزاره های کلی پس از دریافت ذهنی ابتدا بصورت *حصولی* و سپس بصورت *شهودی* ادراک می شوند . به عبارت دیگر هدایت انسان در این است که *علم حضوری* او پا به پای *علم حصولی اش* فعال شود و علم حصولی در صورت شهودی و حضوری شدن جاودانه می شود . در غیر اینصورت هر لحظه در معرض آسیب فراموشی هستند .

◆ قوه عقل ، می تواند خیر و شر را تشخیص داده و انسان را به خیر راهنمایی کرده و از جهل و نادانی دور کند .

◆ میزان و ملاک بهره مندی انسان از انسانیتش ، استفاده از قوه تعقل است که همگام و قرین *الهامی* است که از طرف خداوند به انسان عطا می شود و این دو قوه گاهی به جای یکدیگر بکار برده می شوند .

◆ *قلب* محل استقرار قوه عاقله ، علم حضوری و شهودی و محلی برای تجلی محبت و بغض می باشد .

◆ *فواد* به معنای قلبی که ورودی و خروجی و داد و ستد آن زیاد است .

◆ کسانی که از عقل خود استفاده می کنند با واژگانی چون *اولوالالباب ، اولوالابصار ، اولوالنهی ، ذی حجر* معرفی شده .

◆ مهارت تعقل در *توجه به حدود موضوعات* ، *تفصیل مطالب* ، *تحلیل شرایط* و بکارگیری از توان تفکر است .

درس نهم ساختار وجودی انسان

علم و ادراک

رسیدن به علم ، غایت انسان است و مراتب وجودی او وابسته به تحقق میزان علم در اوست . منظور از این علم ، علم حضوری است .

*□ علم در وجود انسان بطور طبع ، نهفته است که به معنای فراهم بودن اقتضاء برای یادگیری انسان می باشد . این ظرف خالی با اقتضای پر شدن در قران با وصف *جهول* یاد می شود . انسان با انجام اعمال نیک ، شرایط لازم برای خروج از نهفتگی خویش را فراهم می کند . مهم ترین ابهام و نهفتگی انسان مربوط به *شناخت خود* است و اگر مرتفع نسازد دچار *ضلالت* می شود .

- * □ فردی که در رابطه با شیوه زندگی خود در ابهام است در واقع در مقام * بهیمنیت * مانده است . تنها در پناه علم حقیقی و داد و ستد آن است که حیات حقیقی انسان تضمین می شود .
- * □ رزق مادی و معنوی انسان وابسته به آسمان و نزولات آن است ، چون آب منشاء حیات و رزق است . علم به حقایق و ادراک آنها ، به عنوان رزق معنوی انسان محسوب می شود .
- * □ علم و ادراک هم به آنچه با حواس به انسان منتقل می شود (علم حصولی) مربوط می شود و هم به آنچه در وجود او قابل مشاهده است و جزئی از وجودش می شود . (علم حضوری)
- * □ علم حصولی مقدمه علم حضوری است و اصالت با علم حضوری است و هدف خلقت که رسیدن به لقاء پروردگار و درک وجه الله است ، تنها با علم و معرفت حاصل می شود .
- * □ مراتب علم را با کلماتی مانند * عرف * ، * فقه * و به ویژه * یقین * می توان جستجو کرد . اطلاعی را که بدون قطعیت و یا بدون طی مراحل برهانی است ، با واژه * ظن * معرفی می کنند . مقابل قطع و یقین ، واژه * شک * بیان می شود . شک توأم با توهم و بددلی ، * ریب * گویند . محاسبه گری هایی که انسان را از فضای علم و ادراک باز می دارد با کلمه * حسب * آمده است .
- * □ از مهمترین واژه های مرتبط به علم واژه * حکمت * است . معنای این کلمه که از کلمه * حکم * گرفته شده به معنی یقینی دانستن ارتباط بین دو چیز است .
- * □ علم و ادراک با واژه هایی چون : * علم ، شعر ، فهم ، فقه ، بصر ، یقین ، معرفت ، برهان ، شاهد ، خبر ، نباء و حکم * بیان شده است .
- * □ * خیر کثیر * به عنوان عطا و پاداش و بازتاب حکمت یاد شده و از سوی دیگر * برکت و کوثر * را در معنای خیر کثیر آورده است .

درس هفتم ساختار وجودی انسان : * تفکر *

- * □ قوه تفکر نیرویی است که عامل تحریک ، پویایی و رسیدن به علم و معرفت است و انسان را برای رسیدن به قوه تشخیص آماده می کند .
- * □ انسان دارای دو وجه مُلکی و مَلکوتی است ، وجه ملکوتی انسان همان نفخه روح خدا و وجه ملکی اش ، برخوردار است او از توان ها و قوایی است که می توان با بهره گیری از آنها به کمال حقیقی اش نایل شود .
- ☞ انسان با استفاده همهانگِ دو وجه ملکی و ملکوتی خود می تواند حقایق هستی را در خود آشکار نماید .

* □ فکر * ، عامل هماهنگی مُلک با ملکوت و * ذکر * ، عامل هماهنگی ملکوت با ملک است و حرکت توام فکر و ذکر با هم موجب پیشرفت انسان بسوی کمال می شود .

* □ منظور از مُلک ، قوای ادراک حسی و قوای تحریکی انسان و منظور از ملکوت ، روح دمیده شده از جانب خداست .

* □ فکر با حرکت و جولان بین قوای ادراکی (حس ، خیال ، وهم ، عقل) زمینه ساز علوم و ادراکات و به تبع آن عمل ، رفتار و صفات جدید است .

* □ تقویت حواس ، خیال و وهم ، و افزایش علم به گزاره های عقلی ، به صورت مستقیم در تقویت تفکر موثرند . یکی از راه های بسیار موثر در تقویت تفکر ، انجام رفتارهای شایسته و خیر و بالا بردن میزان تعبد است . ﴿ در مواجهه با مسائل زندگی ، تعیین راه های متعدد ، به عهده *قوه تفکر* ، تشخیص درستی راه ، به عهده *قوه تعقل* ، و ورود یا عدم ورود به آن مسیر ، به عهده *قوه ملهمه* است .

* □ وجود فکر در انسان و نحوه فعالیت آن ، دارای حقایق ثابتی است و در همه انسانها به یک صورت عمل می کند . استفاده از تفکر و بهره مندی از مهارت های مختلف آن نیازمند آموزش و تعلیم است .

* □ به نوعی از تفکر که باعث پند گرفتن از گذشتگان و استفاده از تجارب دیگران می شود * عبرت * گویند . یکی از شیوه های شکوفایی تفکر ، استفاده از انواع * استفهام * است . ﴿ هدایت انسان وابسته به تفکر است . همه آیات و روایات ، مرتبط با بحث تفکر و تقویت کننده آن هستند .

درس هشتم ساختار وجودی انسان : * الهام *

* □ هر موجود * مادی * دارای دو حیثیت * مادی و غیبی یا ماورایی * است و مُلک هر موجود با حیثیت مادی و ملکوت آن با حیثیت غیبی آن شناخته می شود . زندگی انسان و هر موجود دیگر ، وابسته به ارتباط او با غیب است و حیثیت مادی ، وابسته و در فرمان حیثیت ماورایی اوست . میزان بهره مندی موجود از ماورا ، وابسته به استعداد و توانمندی مادی اوست . ﴿ انسان در بین موجودات ، انتخاب شده تا بتواند به غیب خود علم پیدا کرده و به حقایق غیبی ایمان داشته باشد و همچنین می تواند نزول حقایق از غیب را برای خود محدود یا وسیع کند .

✱ □ *عالم غیب* در مقابل *عالم شهادت* است و به عدم حضور حقیقتی یا حضور حقیقتی نزد انسان دلالت دارند. و همینطور *عالم ملکوت* در مقابل *عالم ملک* به *باطن* و *ظاهر* حقیقتی اشاره دارند. ﴿عالم ملکوت و غیب به عنوان عناصر *الهام* به شمار می روند.

✓ وضعیتی که انسان به دریافت غیب خود توفیق می یابد به *الهام* یا *وحی* تعبیر می شود. ﴿اگر برای القائاتی که به انسان می شود، القاکننده مشخص بیرونی در نظر گرفته شود به آن *وحی* گویند. در این صورت جنبه بیرونی القائات از جهت صدور مورد توجه است. ﴿در صورتی که برای القائاتی که به انسان می شود، القاکننده درونی در نظر گرفته شود به آن *الهام* گویند. در اینصورت جنبه درونی القاء مورد توجه است.

✓ در وحی، القای مستقیم یا غیر مستقیم آن از طرف پروردگار عالم است، ولی می تواند از طرف غیر خدا توسط موجودی با تسلط غیبی نیز صورت بگیرد. ولی کلمه *الهام* تنها مربوط به القائات غیبی از جانب خداست. وحی و الهام هر دو تامین کننده ارتباط انسان با غیب و ارزش گذاری معلومات انسان است. ﴿انسان با نیروی الهام که نیرویی القایی است می تواند با غیب ارتباط برقرار نموده و از منافع بسیار او متنعم شود.

✓ بوسیله الهام، انسان به *فجور و تقوا* ی خود آگاهی می یابد. محل الهام در وجود انسان *قلب و فواد* است. با ارتکاب هر گناهی، انسان قلب خود را از فیض حضور الهامات غیبی محروم می نماید. ﴿الهامات غیبی با وساطت *ملائکه* به انسان نازل می شود و این بدان دلیل است که هرگونه وساطتی در عالم به عهده ملائکه است. و انسان به میزان طهارتش، محل نزول ملائکه خواهد بود.

♥ قلب انسان کامل، محل آمد و شد ملائکه است و نزدیک شدن انسان، به افق دید و اعمال انسان کامل، در جلب الهامات الهی، بسیار موثر است، زیرا وجود سنخیت در عالم، موجب شباهت در دریافت می شود.

✧ ساختار ملائکه در نزول الهام، دارای ساختاری منظم و تعریف شده است و دانستن ساختار ملائکه می تواند انسان را به دریافت بیشتری از الهامات الهی ترغیب نماید.

✧ الهام به وسیله *تعقل و تفکر* و یا به عبارت دیگر تغییر صحیح در معلومات حصولی فعال می شود و به تناسب بهره برداری از تعقل، تفکر، علم و... هر انسانی می تواند از طریق الهام به غیب خود، راه پیدا نماید.

✧ برای اینکا انسان از مرحله علم به عمل وارد شود، لازم است ابتدا علم او ارزش گذاری شود و ارزش گذاری معلومات به این است که درستی و نادرستی آن با حق سنجیده شده و سپس در معرض کاربرد قرار بگیرد. با سنجش معلومات با حق، هر گزاره عقلی از حالت کلی خود خارج شده و نتیجه آن به صورت خطاب *باید* یا

خطاب * نباید * ، از ناحیه الهام به فرد القاء می شود . ﴿﴾ فقط در صورتی فرد موفق به دریافت الهام الهی می شود که به گزاره های عقلی رسیده باشد . ﴿﴾ گزاره مربوط به الهام الهی برای فرد حتماً جزئی بوده و از این رو برای او دارای مصداق معین و تکلیف مشخص است . ﴿﴾ بایدها و نبایدهایی که انسان از طریق الهام به دست می آورد باید با وحیی که از طریق رسول به او می رسد ، مطابق باشد .

● الهام هیچ گاه اشتباه نمی کند و اگر در بایدها و نبایدهای انسان شبهه ای وارد شود ، مربوط به مراحل علم حصولی ، تفکر و در نهایت تعقل فرد است . به هر دلیلی انسان نتواند از تعقل خود استفاده کند ، دچار * وسوسه * می شود . ساختار وسوسه مشابه ساختار الهام است ، ولی کاملاً در جهت مخالف آن . از واسطه هایی که باعث انتقال القای وسوسه هستند با نام * شیطان * یاد می شود . قرآن و روایات علاوه بر وسوسه ، وحی را نیز به شیطان نسبت داده اند . شکست یا ناکارآمدی تفکر و تعقل ، باعث فعال شدن گیرندگی نفوذ شیطان می شود .

● کسانی که مبنای عمل و تصمیم آنها بر اساس تخیلات و صورتهای ذهنی و قواعد جزئی غیر عقلی است و بر اساس حالات و منویات خود تصمیم می گیرند ، فردگاه شیاطین هستند .

* □ یکی از مهم ترین عناصری که پس از الهام در فرد لازم است مورد توجه قرار بگیرد ، عنصر * ذکر * است . ذکر به معنای دور شدن از * نسیان و غفلت * ، لازمه بهره مندی از الهام و توجه به بایدها و نبایدهاست .

* □ یکی از معانی ذکر در آیات و روایات ، تطبیق داده های درونی با وحی الهی است که می توان آن را از نتایج الهام دانست . ﴿﴾ توجه به پیامبر و رسول الهی به عنوان * مهمترین عنصر ذکر در عالم * است . غفلت از رسول و فراموشی او و تردید در اوامر او از بزرگ ترین انواع اعراض از آیات الهی شمرده شده است . ﴿﴾ در هر زمان و مکان ، حجت های الهی واسطه های ارتباط دهنده انسان و رسول به شمار می روند . این حجتها ، شان ذکر بودن خود را از رسول دریافت می کنند .

* □ توجه به آیات عظمای الهی و یادآوری آنها ، شرط تقرب و کمال دنیا و آخرت انسان است . حیثیت مادی انسان با * دنیا * و حیثیت ماورایی او با * آخرت * یاد شده و * رزق * تامین کننده هر دو وجه حیثیت مادی و معنوی است .

* □ واژه هایی مانند * ولوج * و * خروج * اگر در مورد مراحل رشد انسان استعمال شود ، متعلق به مراتب علم حصولی ، و واژه های * عروج * و * نزول * مربوط به الهامات غیبی است .

♥ علت نزول قرآن ، وجود نازنین انسان کامل است و انسان با قرائت قرآن ، مهمان القائنات وحیانی اوست .

درس نهم ساختار وجودی انسان : * از علم تا عمل : 《 ایمان 》 *

* □ انسان با اعمال خود می تواند وضعیتی را در خود * تثبیت * نماید . برای اینکه انسان عملی را انجام دهد باید علم را از مرتبه خود ، در صحنه زندگی نازل نماید . اصطلاحاً این فرایند را که می تواند علم را به عمل تبدیل کند ، * فعل * می نامیم . * ایمان * اولین مرتبه به فعلیت در آمدن هر عملی است .

* □ علم سنگ بنای هر سعی و عملی است . مرکز ادراکات انسان ، به ویژه در مورد علم حضوری یا علمی که با الهام به وجود می آید با واژه * قلب * عنوان می شود و مراحل بعد از آن را که به صادر شدن و ابراز آن علم می انجامد ، * صدر * می گویند . صدر شامل مراحل بعد از علم تا عمل است . (ع) و سوسه شیطان جنی و انسی ، در ناحیه * صدر * اتفاق می افتد و باور فرد را نسبت به امر یقینی ، تضعیف می کند .

* □ لزوماً هر علمی به عمل ختم نمی شود ، بلکه لازم است پس از حاصل شدن علم برای انسان ، آن را با تمام وجود بپذیرد و سپس آن را به مرحله * فعلیت * در آورد .

* □ علمی که انسان به صحت آن واقف باشد و بتواند بر آن اتکا نموده و به آن اطمینان داشته باشد ، به چنین پذیرشی * ایمان * گویند . به پذیرش علم عقلانی و متقن که آرامش و امنیت را در وجود انسان بوجود آورد ، * ایمان * گویند .

* □ ایمان در حکم واسطه نزول علم به عمل است . هر قدر انسان به علم خود اعتقاد بیشتری داشته باشد ، در عمل به آن و نیز استمرارش جدیت بیشتری از خود نشان می دهد . برای ایمان درجاتی متناسب با علم و درک فرد وجود دارد . نتایج و ثمرات ایمان متناسب با شدت آن متعدد و متفاوت است . (ع) علم در صورتی که از عمق جان پذیرفته نشود ، به مرحله عمل صالح نمی رسد و با اندک سختی ، منقطع می شود .

* □ * ایمان * مبدل علم به عمل صالح تا رسیدن به سر حد نتیجه است . ایمان به معنای * طمانینه نفسانی و زوال ترس * است ، به تدریج بر عقاید فرد نیز اطلاق می شود .

* □ اطلاق ایمان بر عقاید از آن جهت است که مومن ، اعتقادات خود را از آفات آن ، یعنی ریب ، اضطراب و شک می رهند و ایمن می سازد . نبودن * علم تفصیلی * در مساله ای عامل مهم برای نرسیدن به مرحله ایمان به شمار می رود که انسان در این حالت دچار * تسویل و تزئین * می شود با اینکه * علم اجمالی * به آن دارد نمی تواند صحت یا عدم صحت آن را در بروز عملی خود ، بیان کند . (ع) ایمان در صورت وجود علم تفصیلی شکوفا شده و به حوزه عمل راه پیدا می کند .

* □ ایمان به خدا * در عرف به معنای پذیرش همراه با تسلیم نسبت به عقاید ، دستورات و احکامی است که از جانب خدا نازل شده و * اسلام * به معنای خضوع و خشوع در برابر حق و * ایمان * پذیرش اختیاری و با رغبت به حق است ؛ بنابراین اسلام و ایمان ، دو روی یک سکه است .

* □ علت بروز ایمان و اسلام به غیر خدا ، اعتقاد انسان به ادراکات حسی ، خیالی و وهمی خود و در نظر گرفتن منافع به ظاهر نقد دنیوی است . یکی از گناهان کبیره * ایمن دانستن خود از مکر الهی * است . کسانی که به غیر خدا اطمینان و اعتماد می کنند عملاً خود را از مکر الهی ایمن می دانند . مشکل عمده انسانها اعتماد نکردن به پروردگار خویش است . (ع) اعتماد در سایه * تعقل * بدست آمده و با * مشاهده غیب * امکان پذیر است . * ایمان به غیب * یکی از مهم ترین عناصر ارتباط با خدا و تقوا نام برده شده .

(ع) برای تقویت ایمان ، * علم به صفات و اسماء الهی * ضروری است .

* □ رجوع نکردن به علم حقیقی و فطری ، غفلت از اسماء حسناى الهی ، عمل نکردن به دانسته های قطعی و حس گرایی از آفات جدی ایمان به شمار می رود . (ع) عکس العمل صحیح در برابر نعمت و علم را * شکر * و استمرار در آن را * صبر * گویند . ایمان متشکل از این دو جزء است و صبر به منزله راس ایمان است .

* □ هدایت انسان با عمل به دانسته هایش رقم می خورد . مومن واقعی ، تنها تسلیم محض در مقابل فرمان خدا و رسول است . از تبعات گناهان و معاصی ، وارد شدن انسان در منطقه توجیهات و ابهام در تکلیف و وظایف است که باعث تزییع ایمان و زوال اعتقادات می شود .

* □ برخورداری از محبت و مودت از دیگر نتیجه های ایمان است .

ساختار وجودی انسان ، درس دهم : از علم تا عمل : (فعل)

* □ علم و ایمان که هویت حقیقی اوست با عمل تثبیت و شکوفا می شود . حوادث زندگی ، همگی بهانه ای هستند تا انسان بتواند در معرکه عمل ، با اتکا به علم و ایمان حقیقی ، * احسن عمل * را انتخاب نموده و به علم و ایمانی بالاتر دست یابد ، که از آن به * هدایت * تعبیر می شود و اگر عمل منجر به افزایش علم و ایمان نشود به این حالت * ضلالت * گفته می شود .

* □ انسان تنها به اعمالی دست می زند که نسبت به آنها شناختی ولو اجمالی داشته باشد . تعریف ما از عمل ، باطن آن عمل محسوب می شود و در عرف قران و روایات از آن به * فعل * یاد شده است ؛ بنابراین انسان قبل از هر عمل ابتدا با باطن آن (فعل) مرتبط می شود . (ع) ضرورت رسیدن به درک بیشتر از زندگی و فهم افعال

و بروز اعمال بیشتر ، موجب حرکت یا * سعی * و * جهد * می شود ، زیرا وقوف انسان در دنیا اندک است و اگر در این زمان به رشد مطلوب خود نرسد به * خلود * در همان مرحله باید بسنده کند .

* □ پس از تشخیص نیاز (طلب) ، فهم دلخواه و پذیرش (ایمان) و درک درست از راه های برطرف کردن نیاز (شناخت) انسان به مرحله * عزم * و * اراده * ، * نیت * و * قصد * رسیده و به سمت ابراز (عمل) کشیده می شود (گرایش)

* □ باطن عمل ، همان * اراده ، نیت ، قصد ، عزم و ایمان * است و از آن به * فعل * یاد می شود . عمل صالح است که انسان را به علمی جدید می رساند .

* □ در تبدیل علم به عمل ، نیاز و طلب دو عنصر اساسی به شمار می روند . نیاز انسان به وسیله * دعا * و * سوال * ابراز می شود . هر طلب و خواستی باید متناسب با ظرف وجودیش شکل بگیرد که به آن * شاء * گویند .

Ⓔ آنگاه که انسان برای نیاز خود به چاره اندیشی افتاده و طلب در او به جریان افتد * مرحله اراده * او فعال شده است .

Ⓕ به حالتی که انسان بطور قطع و یقین بخواهد به مطلوب خود برسد ، * مرحله عزم * گویند .

Ⓖ مرحله ای از فعل را که فرد عمل خاصی را تعیین می کند و در صدد انجام آن بر می آید به * مرحله قصد * می شناسیم .

به قصد باطنی و مخفی هر عملی * نیت * گفته می شود .

Ⓗ سرچشمه هر عمل اختیاری انسان ، نیت و قصد است و منشاء نیت و قصد را عزم و اراده است . عزم و اراده ، خود از ایمان و ایمان از علم جزئی نشأت گرفته است .

Ⓖ مراتب فعل بر عمل برتری دارد و تعیین کننده صلاح یا فساد عمل است .

✓ ضعف عزم از ضعف ایمان و آن نیز از ضعف در علم جزئی ، تفصیلی و یقینی حاصل می شود . پس از مرحله اراده و عزم که انگیزه کلی برای انجام یک کار است و با سعی و تلاش در مهیا کردن شرایط و رصد موقعیت ها همراه است ، قصد و نیت در انجام کار پس از مشاهده مصادیق لازم برای فعالیت اهمیت می یابد . قصد و نیت همان آخرین جزء برای عمل کردن است که همیشه با عمل قرین و همراه است .

✓ ارتباط ایمان نسبت به عمل ، کلی و بدون در نظر گرفتن مصداق مشخص است و در عزم و اراده مصادیق مشخص شده ، ولی هنوز به مصداق بیرونی خاصی اشاره ندارد و در قصد و نیت کاملاً مصداق عمل به صورت جزئی تعیین شده است .

✓ واژه * اطاعت * به معنای پیروی از روی طوع و خشنودی عمدتاً مربوط به مقام فعل و واژه * تبعیت * به معنای تابع بودن ناظر به مقام عمل است . در قران و روایات ، فعل مثبت را به * فعل خیر * بیان نموده و در مواردی انسان امر به فعل خیر شده است .

✓ * کسالت و تنبلی * و عواملی که منجر به این امر می شوند از آسیب های قوه فعل انسان است و از آسیب های دیگر * عجله * است که ریشه بسیاری از اعمال غیر صالح است .

◀ □ همانطور که عمل انسان پاداش یا کیفر دارد و ثبت می شود ، فعل انسان نیز ثبت شده و قابل پاداش و کیفر است .

◀ □ یکی از عطاها و ویژه به انسان این است که او می تواند بر همه مراحل از علم تا فعل و عمل خود گواه و ناظر باشد که به * شهید * یاد می شود . انسان می تواند با قوه نظارتی که دارد به * احسن عمل * دست یابد ، زیرا توان امکان عاقبت سنجی و عبرت شناسی و قرار دادن خود در وضعیت های متعدد را به دست می آورد . برای رسیدن به احسن عمل ناچار باید از قوه * توجه و نظارت نفس * ، بهره گرفت .

◀ □ هماهنگی بین قول و فعل یکی از مهم ترین تاکیدات قران است ، زیرا ناهماهنگی سبب بروز نفاق و بروز جرم و فسق در بستر اجتماع می شود و در نهایت به آزار و اذیت رسول و مومنین می انجامد .

ساختار وجودی انسان ، درس یازدهم : * از علم تا عمل : « خصلت ها ، ملکات ، شاکله و حالات » * :

* □ بسیاری از رفتارهای انسان در واکنش به رخدادهای بیرونی ابراز می شود ، که برخی مشخصاً تحت تاثیر حالات ، به صورت آنی و بدون طی مراحل تفکر و شناخت بوجود می آیند. (اغلب شادی ها ، غم ها و عصبانیت ها)

* □ بسیاری از این حالات از ویژگی های طبیعی انسان است و باید مراقب باشد از مرز اوامر و نواهی الهی فراتر نرود . در کنترل حالات ، مراقبت و تقوا بسیار دارای اهمیت است . تغییر حالت در اثر عوارض ، طبیعی است ،

ولی بر اساس آن عمل کردن ، باید طبق معیار تقوا صورت گیرد . در بعضی از افراد میزان تاثیر پذیری از حالات ، بیشتر از دیگران است که در این شرایط ، حالات فرد تبدیل به صفت شده و بیشتر اوقات بر اساس آن حالت عارض از خود عکس العمل نشان می دهند . (عصبانی بودن دائم ، عبوس بودن ، رفتارهای نابخردانه کفار در مواجهه با پیامبر) .

✱ □ واژه های ذکر شده برای حالات، مانند :

◆ ✱ خوف ✱ : در مقابل امنیت ، زمانی که انتظار ضرر مشکوکی می رود (نگرانی) .

◆ ✱ رهب ✱ : در مقابل رغبت ، در مواقعی بکار می رود که نگرانی دائمی شود .

◆ ✱ جزع و فزع ✱ : زمانی که ضرر محقق شود و بیتابی صورت گیرد ، استعمال می شود.

◆ ✱ فرح ✱ : به مطلق سرور و شادمانی در هر مرتبه ای که باشد گویند .

◆ ✱ سرور ✱ : در مقابل حزن به معنای انبساطی که موجب دور شدن درد و غم شود .

◆ ✱ طرب ✱ : خارج شدن از حد اعتدال

◆ ✱ بطر ✱ : از حد طرب بیشتر است و ✱ اثر ✱ نیز از حد بطر بیشتر است .

◆ ✱ خشع ✱ : حالت نرمی پس از قبول و گرفتن مطلبی است .

✱ □ از آنجایی که حالات عارض، متغیر و بدون مبنای ثابت اند ، لازم است تاثیر پذیری انسان نسبت به آنها به حداقل کاهش یابد و به مرور به صفر برسد . و مبنای هر رفتار اختیاری باید تفکر ، تعقل و شناخت باشد که به واسطه تکرار استفاده از تفکر و تعقل ، صفات نیک در انسان احیاء می شود . صفات نیک در اثر تکرار عمل صالح بوجود می آیند و کارهای بعدی را برای فرد آسان تر می کنند .

✱ □ با فعالیت تفکر و تعقل ، خروجی قوای نامبرده ، از دانش به مهارت و از سرعت انتقال کم به سرعت انتقال بالا ارتقا می یابد . از آنجا که توان های انسان به دو دسته ✱ ادراکی ✱ و ✱ تحریکی ✱ قابل تفکیک اند ، صفات خوب و بد او نیز در این دو دسته کلی قرار می گیرند .

✱ □ استفاده درست از قوه و نیروها موجب بروز صفات مثبت در انسان می شود . به اعتبار فعال و استوار بودن تفکر و تعقل به او صاحب لب (✱ اولوالالباب ✱) گویند . به اعتبار بینایی نافذ او که می تواند حقایق را در لابه لای رخدادهای شکار کند ✱ اولوالابصار ✱ گویند . هرگاه صلابت و استقامت و اطمینان او در حرکت و مواجهه با

مسائل مشاهده شود او را * مُحَبَّت * و به اعتبار ایمانش * مومن * و با نگاه به حسن گزینی او * محسن * گویند . به اعتبار بهره گیری او از نشانه ها ، به او * متوسّم * و به اعتبار انجام اعمال باقی و متناسب با شرایط زمانی و مکانی ، نشان * صالح * به او می دهند .

✓ کسی که مدام از تفکر خود بهره نمی گیرد ، دارای صفت * حَمَق و جَهْل * می شود و کسی که مکرراً از اعطا به دیگران سرباز می زند دارای صفت * بخل و شُحّ * می شود و آنکه در تحلیل و انطباق گزاره های حقیقی بیشتر مواقع به اشتباه حکم صادر می کند دارای صفت * کذب * می شود و کسی که پیوسته توجه خود را از حق به باطل معطوف کند دارای صفت * جرم * می شود و اگر هر بار از طبیعت انسانی خود خارج شود صفت * سَرَف * را می گیرد و دچار عوارض و ناهنجاری های فردی و اجتماعی نفاق آلود شده و از تعادل در بکارگیری همه قوا خارج می شود ، در این حالت دچار صفت * فسق * شده است .

✓ به مجموعه صفات خوب یا بد که بطور طبیعی بر رفتار او تاثیر می گذارند * خُلُق * گویند و به اعتبار تسلط این صفات بر رفتارها * ملکات * گویند . برخی از خُلُقیات از محیط وراثت به فرد منتقل شده و برخی بر اثر تکرار عمل خود او ، تثبیت گردیده و البته این دو اثر همدیگر را تشدید می کنند . انجام یا ترک اعمال چه خوب و چه بد که بر اساس خُلُقیات است برای فرد آسان است . انواع ملکات مثبت و منفی با واژه هایی با صفت مشبّه و صیغه مبالغه آمده است .

◀ □ در قران از مجموعه ملکات ، خصال و خُلُقیات به * شاکله * تعبیر شده چرا که انسان تحت تاثیر خُلُق خود بسوی عمل سوق می یابد . لازم است انسان با شاکله انسانهای متعالی همراستا شود . میان ملکات نفسانی و احوال و اعمال انسان رابطه محکمی است ، همچنین میان صفات درونی و نوع ترکیب بنیه بدنی انسان یک ارتباط خاصی وجود دارد . خُلُقیات و رفتار ، تاثیر متقابل و دوسویه برهم دارند .

◀ □ تاثیر خُلُقیات را بر مقدرات انسان از قبیل رزق ، سلامتی ، خوش عاقبتی و ... بر انسان تذکر داده شده .

◀ □ شاکله انسان قابلیت اصلاح و تغییر را دارد . همانطور که شاکله ای می تواند به سمت کمال سوق یابد ، ارتکاب گناهان ، شاکله فرد را به سمت * مسخ شدن * سوق می دهند .

◀ □ وصف شاکله های مثبت در قران با واژه * طیب * و شاکله های منفی با کلمه * خبیث * آمده است . با نزدیک شدن و تقرب به وجود نورانی ذوات مقدس اهل بیت می توان خبث شاکله را به طیب شاکله تبدیل نمود .

◀ □ در آیات و روایات ضمن معرفی افراد مومن یا غیر مومن به خصلت ها و ملکات ثابت آنها اشاره می نماید .

درس دوازدهم ساختار وجودی انسان: * عمل *

* □ انسان در هر وضعیتی ، نتیجه اعمال خود یا دیگران است . انسان مکلف در هر وضعیتی که هست ، نتیجه اعمال خود است . * میزان * در سنجش اعمال ، * حق * است و بهره مندی عمل از حق منجر به * ثقیل * و سنگین بودن عمل ، و خالی بودن از حق باعث * خفیف * ، سبک و بی ارزش بودن عمل است .

* □ هر عملی بر مجموعه اعمال قبل و بعد خود تاثیر دارد ، زیرا زمینه اعمال بعدی را فراهم می سازد و خود نتیجه اعمال گذشته است . اعمال نیک فرد ممکن است بوسیله گناهانی از بین برود که به آن * حبط عمل * گویند .

* □ از اعمالی که بر اساس مراقبت درونی و با فهم ناظر و شاهد بودن خداوند ، انجام یا ترک می شود ، به * تقوا * یاد می شود . تقوا به عنوان * لباس * بنی آدم است . کسی که از تقوا خالی باشد زشتی هایش نمایان شده و باعث آسیب خود و دیگران می شود .

﴿ هر عملی با باورهای فرد ، خصلت ها ، شخصیت ، شناخت و نوع تفکر او وابسته است و در واقع نماینده درونیات فرد است . بنابراین هر عملی به عنوان * لباس * و تشخیص فرد محسوب می شود ، به او اعتبار می دهد و او را آسیب پذیر می کند و یا از آسیب ها مصون می دارد .

* □ انسان با انجام هر عمل به علم جدیدی نایل می شود . در صورت انجام اعمال شایسته ، اصلاح نفس به سرعت اتفاق افتاده ، علم حقیقی نیز در پناه عمل برای او تحقق می یابد . یکی از روش های مهم اصلاح نفس ، تصحیح تفکر ، سوق دادن به تعقل و رسیدن به شناخت درست و ایمان راسخ ، انجام یا ترک عمل و به کار بستن آداب است .

* □ تصدیق و تکذیب حقیقی مربوط به عمل است . عملی تصدیق است که منطبق با علم قطعی فرد باشد و اگر منطبق نباشد تکذیب آن علم است . عمل انسان از حیث تلاشی که انجام می دهد با واژه * سعی * آمده است . در این واژه به مطلق حرکت و بروز سریع اشاره دارد .

* □ هرگاه سعی با جدیت بیشتر همراه شود به آن * جهد * می گویند . در صورتی که عمل بدون فایده عقلانی صورت پذیرد با کلمه * لعب * ذکر می شود . وقتی عمل بدون در نظر گرفتن نتیجه و فقط به عنوان لذت انجام شود به آن * لهو * گویند . ﴿ انجام عمل لغو و بی فایده بر انسان بالغ مومن ، مجاز نیست .

* □ انجام عمل بدون در نظر گرفتن زمان رسیدن آن * عجله * نام دارد . عجله از آفات فعل انسان است . بسیاری از انحرافات انسان از جمله دنیاگرایی او بواسطه این وضعیت در انسان شکل می گیرد . رفتارهای نامعقول در برابر حق با کلماتی چون * اعراض * ، * استکبار * ، * تولی * و ... یاد شده است .

* □ عمل انسان ممکن است بدون مفسده و به دور از فساد باشد و یا دارای تبعات ، عوارض و ناگواری هایی باشد . عمل بدون مفسده با واژه * عمل صالح * ذکر می شود . صالح و فاسد بودن عمل ، وابسته به میزان و نوع شناخت فرد و انجام به موقع آن است . در ازای عمل صالح ، اجر ، حسنه ، ثواب ، پاداش و در برابر عمل بد ، سیئه ، وزر ، غل ، سلاسل ، سعیر ، جحیم ، عذاب ، حطمه ، نکال و مطرح می شود .

* □ پاداش و عقاب هر فرد در ازای هر عمل به صورت * حقیقی * است نه * قراردادی * که در همین دنیا به فرد تعلق می گیرد و در آخرت بطور کامل ، آن را دریافت می دارد .

* □ نظام علی و معلولی ، قوانین حرکت و وجود زمان و تدریج در عالم خلق ، موجب شده تا انسان ثواب و عقاب الهی را به اشتباه ، قراردادی پنداشته و حس حقیقی بودن و فوریت در آن نداشته باشد .

□ شناخت ناقص ، علم همراه با ابهام و عدم مراجعه به علم ، از عواملی است که باعث بروز اعمال ناشایست در انسان می شود . گاهی منشاء اعمال ، صفات و حالات فرد است . لذا با مثبت بودن صفات و حالات ، اعمال مثبت بروز یافته و با منفی بودن صفات و حالات ، اعمال منفی بروز می یابد .

□ * فسق * در اصطلاح قرآنی به بروز ناهنجار اعمال فرد و انحرافی که در اعتدال ایجاد می کند ، گفته می شود .

□ * جرم * در اصطلاح قرآنی به اعمال ناهنجاری که از حق دور و منحرف است گفته می شود .

□ * صالح * به کسی گفته می شود که اعمال او ضمن خالی بودن از هر مفسده ای با درایت و مدیریت کامل بر قوا و توان خود همراه بوده و منطبق با شرایط زمان و مکان باشد .

□ * محسن * به کسی گفته می شود که اعمال او منطبق بر حسن و قبح های عقلی و الهام الهی است .

□ * برّ * یا * ابرار * به کسی گفته می شود که بر مبنای عقل ، خرد و الهام ، به خیرات عام المنفعه می پردازد که از ویژگی ایشان توجه به وجه الله و بی اعتنایی آنها به اجر از طرف مردم است .

درس سیزدهم ساختار وجودی انسان : * توجّه نفسانی *

* □ انسان دارای قوه و توانی است که می تواند بر مجموعه توان های خود مدیریت نماید . این نیروی درک کننده که عهده دار مدیریت قواست را به نام * توجه نفس * می شناسیم که به برکت آن ، انسان می تواند به آگاهی های خود علم داشته باشد و بر اساس عاقبتی که می داند ، نیروهای خود را بسیج کند .

* □ تدبیر در امور دارای دو مرحله متمایز * شناخت * و * عمل * است . تدبیر در امور با تمرکز بر هر قوه ، متناسب با نیاز و مواجهه با رخدادها و پدیده ها برای رسیدن به عاقبتی مشخص ، به برکت فعال شدن توجه

نفس صورت می گیرد . به در نظر گرفتن عاقبت در امور * تدبر * گفته می شود . به پدیده ها و رخدادها از نظر پیام و علمی که به انسان منتقل می کنند * آیه * گفته می شود .

* □ * ذکر * و * شهادت * بیان کننده امتیازات ویژه توجه نفس است ، زیرا توجه نسبت به چیزی با دوری از * غفلت * و * نسیان * نسبت به آن حاصل می شود . همچنین پس از توجه ، انسان به مقام مشاهده و شهود آن می رسد .

* □ * ذکر * و دوری از غفلت و نسیان ، شرایط استفاده صحیح از نعمت ها را فراهم ساخته و منجر به * شکر * نعمت ها می شود. غفلت و نسیان پروردگار منجر به فراموشی خود و نعمت ها شده و موجب * کفر * می شود .

* □ * این توان و نیرو از جانب خدا به انسان افزوده شده و انسان بواسطه خلیفه الهی می تواند تلاوتگر و منعکس کننده صفات و اسماء الهی باشد . واژگانی که بر نظارت و مراقبت دلالت می کنند از جمله واژگانی هستند که می توانند معنای توجه نفسانی را بخوبی منعکس کنند :

◆ * رصد * : آمادگی داشتن و انتظار چیزی را کشیدن .

◆ * رقب * : مواظبت همراه با تحقیق و تفتیش .

◆ * رعایت * : حفظ حدود چیزی و توجه به لوازم آن .

◆ * حرس * : مراقبت و حفظ مستمر را گویند و مختص به عقلاست .

◆ * انتظار * : با اختیار و از روی صبر چشم دوختن .

◆ * حسب * : اشراف بر چیزی به قصد اطلاع را گویند (رسیدگی) .

◆ * مهیمن * : کسی است که با تدبیر بر چیزی سیطره دارد .

* □ * اداره نیروها ، قوا و کنترل کلی نفس یا بر اساس معیارهای حق است که یعنی خود را در ولایت خداوند قرار داده و یا بر اساس نبود حق است که یا بدون معیار است و یا بر اساس معیارهای باطل زندگی می کند و تحت حکومت باطل مدیریت می شود .

* □ * از مهم ترین ارکان زندگی هر کس موضوع * ولایت * است که مستقیماً با توجه نفسانی هر فرد در ارتباط است . توجه نفسانی انسان ، جهت گیری های کلی زندگی او را مشخص می کند .

● اگر انسان احساس بی‌نیازی بکند * طغیان * می‌کند و از حدود خارج می‌شود و این بدان معناست که توجه نفسانی‌اش مصروف توانمندی‌هایی از خود شده که خود را مستقل می‌بیند که حتماً به حد شکنی و حریم شکنی می‌انجامد .

🌸 از مهم‌ترین آموزه‌های دینی ، حس مملوکیت و مربوطیت نسبت به ربّ و مولی است که بطور طبیعی به *اطاعت و تبعیت از وحی و رسول و واسطه‌های الهی * کشیده می‌شود .

🌸 از آثار توجه نفس ، سهولت در کارهاست . کنترل بر اساس معیارهای حق به * تقوا * مشهور است و زمانی محقق می‌شود که در فرد مراقبتی همراه با خوف و نگرانی به وجود آمده باشد که به آن * خشیت * گویند به معنای مراقبت درونی بواسطه نگرانی از عدم رسیدن به مطلوب حاصل می‌شود و لازمه آن شناخت و توجه همه جانبه به مقصود و مطلوب است.

● انسان بصورت فطری منفعت طلب است و با توجه به منفعت ، قوای خویش را تجهیز می‌کند . انحراف در درک منفعت ، اولین انحراف در ساحت انسان است که او را دچار * غی * و انحراف می‌کند .

🌸 انسان باید منفعتی را که در نظر دارد ، با منفعتی که خداوند برای او در نظر گرفته است و توسط رسول و امام به او عرضه می‌شود ، میزان کند . تصحیح توجه نفس برای درک درست از منفعت خویش و نداشتن حس استقلال و استغنا با * انذار * صورت می‌گیرد . مربی ای دلسوز و مهربان با ایجاد نگرانی (انذار) سعی در تصحیح توجه فرد می‌نماید و در صورتی فرد به سمت حق معطوف می‌شود که خود اهل مراقبت درونی و نگران سعادت و شقاوت خود باشد .

● اگر انسان منفعت خود را حیات دنیا و رسیدن به تنعمات آن بگذارد ، تمام نیروهای ادراکی و تحریکی و عاطفی خود را در این مسیر صرف می‌کند و اگر برای او رسیدن به حیات اخروی اصل باشد ، توجه به آن باعث تغییر رویه همه نیروهایش می‌شود .

✓ انسان‌هایی را که توجه آنها به سمت دنیا معطوف شده و فاقد نگرانی برای رسیدن به سعادت اند ، * اموات * می‌داند . برای بالا بردن توجه درونی ، شناخت قوا و توان‌ها ضروری است . لازم است فرد در هنگام استفاده از توان‌های خود تمرکز و دقت لازم را بنماید تا بتواند به بهترین وجه امکانات و توان‌های خود را به کار گیرد .

✓ بین * تقوا * و * علم * ارتباط تنگاتنگی وجود دارد و هر یک از دیگری متاثر می‌شود . کافر کسی است که خود و توان‌های خود را فراموش کرده ، در نتیجه امکان استفاده از نعمت‌ها را نداشته و پوشاننده رحمت و نعمت الهی است .

✓ مهم ترین عوامل توجه یا عدم توجه به چیزی ، * محبت * و یا * بغض * به آن یا متعلقات وابسته به آن است . با دوست داشتن کسی یا چیزی ، توجه انسان به قوا ، نیروها و کارهایی که مورد رضایت یا به دست آوردن آن است ، جلب می شود . * محبت غیر عاقلانه * به چیزی ، مسیر عادی شناخت انسان را تحت تاثیر قرار داده ، مشاهده او را غیر واقعی کرده و قوه تفکر و تشخیص را مختل می سازد . * محبت عاقلانه * به چیزی ، باعث فعال شدن مشاهده ، قوه فکر و تشخیص و در نهایت بالا رفتن شناخت انسان نسبت به آن می شود . این قاعده در مورد بغض و نفرت هم صادق است .

✓ محبتی که در آن پیوند و تعهد لحاظ شود ، به * مودت * تعبیر می کنند . مودت اهل بیت ، به عنوان اجر رسالت ، از ضروری ترین وظایف هر مسلمانی است . یکی از محرک های انسان به انجام اعمال صالح ، محبت نسبت به خدا و معصومین است ، زیرا * قرب و رضایت * از ثمرات محبت است .

✓ باید انسان در همه مراتب علم و عملش ، به حصول محبت ، رضایت و قرب الهی به عنوان ملاک اساسی توجه کند . رسیدن به * لقاء رب * ، ضروری ترین و عالی ترین دعاست .

✓ مهم ترین تبعات ارتکاب گناهان و عدم رعایت حقوق دیگران را * رین * است که بر توجه فرد ، پرده ای ضخیم قرار می گیرد .

درس چهاردهم : * چرخه کمال * :

«چرخه به معنای تاثیر همه جانبه هر یک از عناصر گفته شده در دروس گذشته بر روی هم است به طور مفصل باز می شود.» :

* □ دوره وقوف انسان در دنیا به * اجل * شناخته شده و هرکسی دارای * اجل قطعی و غیر قطعی * است که اجل غیر قطعی انسان به وسیله اعمال قابل تغییر است . مدت اجل انسان ، دوره * رشد * او محسوب می شود و بعد از آن دوره * حساب و جزای * اوست . در دوره اجل دو وضعیت کلی * رشد * و * غی * برای انسان پدید می آید . در حالت رشد ، * خروج از ظلمت بسوی نور * و در حالت غی ، * خروج از نور به ظلمت * صورت می گیرد یعنی انسان از آنچه بوده به مراتب در مرحله نازل تر و پست تر قرار گیرد .

* □ سیر در مراتب نور ، انسان را به زندگی معنوی عروج داده و به تدریج از ظلمات مادی خارج می نماید که به * سلام * یاد می شود که فرد در آن ، از آسیب ها ایمن است که از این مقام به * اخلاص و طهارت * نیز یاد شده است .

* □ سیر در ظلمات ، انسان را به تدریج از دریافت نورانیت و معنویت محروم می سازد که با واژه های مختلفی چون * لعن ، قطع ، ختم ، طبع و ...* یاد شده است .

﴿﴾ بنابراین انسان در بین دو بینهایت رحمت و محرومیت قرار دارد که در مدت اجل او رقم می خورد . به نظر می رسد مراحل رشد انسان با تولد او آغاز می شود ولی در واقع این مراحل از مدت ها قبل از تولد آغاز می شود .

* □ مراحل رشد انسان را باید قبل از انعقاد نطفه و انتخاب به همسر آغاز نمود و والدین بیشترین نقش را در مراحل اولیه رشد ایفا می کنند و اگر قبل از انعقاد نطفه و در دوران جنینی رعایت های لازم وجود داشته باشند ، فرد از * طیب ولادت * برخوردار می شود .

* □ در هنگام ورود به دنیا ادراک و عمل انسان با هم و منطبق بر هم است . ادراک انسان در این حالت * ادراک حسی * است . پس از گذشت زمان ، خیال انسان شروع به فعالیت می نماید که در این حالت * ادراک خیالی * نیز بر او افزوده می شود . وجود ادراک خیالی بین حس و عمل انسان فاصله انداخته و در این حالت پس از برخورد با اشیاء و حوادث بجای عکس العمل فوری ، کارها با نوعی از فکر کردن همراه می شود .

* □ تمایلات و گرایش ها به عنوان محرک قوه خیال ، فرد را به سمت خواهش های خود سوق می دهد . تمایلات و گرایش ها نیز با نیازهایی که فرد در درون خود حس می کند تحریک می شوند و البته حواس و خیال در برانگیختن تمایلات نقش موثری دارند . بخشی از تمایلات و گرایش ها پس از سپری شدن دورانی ، به عواطف و احساسات تبدیل می شود .

* □ از همان ابتدا ، قوه واهمه علاوه بر قوه خیال به روابط بین اشیاء توجه می نماید ولی پس از گذشت دورانی ، موفق به دریافت مفاهیم انتزاعی می شود و انسان پا به عرصه باورها و اعتقادات می گذارد .

* □ در سیر طبیعی رشد هر انسان ، ابتدا عناصر ادراکی و تحریکی او فعال شده ، سپس عواطف و احساسات در او شکل می گیرند . صفات و خصلت هایی که در انسان مشاهده می شود برخی وابسته به اعمال خود و برخی وابسته به خانواده و محیط و آموزش اوست .

* □ وجود جنسیت در تاخیر و تقدیم این رشد و یا قوت و ضعف عناصر نامبرده و نوع صفات و خُلُقِیات ، موثر است . علاوه بر رشد طبیعی و جنسی ، انسان دارای رشد عقلانی و فطری است . رشد عقلانی انسان ، پس از شکل گیری باورها و اعتقادات او بروز می کند . بواسطه بروز رشد عقلی ، فرد مکلف به تحقیق در اصول دین و رعایت مسائل شرعی بوده و در ازای انجام باید و نبایدها پاداش و جزای دنیوی و اخروی خواهد داشت

﴿در این حالت قوای ادراکی و تحریکی و عاطفی و انواع گرایش ها و نیازها باید در کنترل قوه تعقل قرار گیرد در غیر اینصورت نیازها و گرایش ها از یک سو و عواطف و احساسات از سوی دیگر با مساعدت قوای ادراکی و تحریکی زمام امر انسان را به دست گرفته و مسیری غیر از مسیر صلاح و فلاح را می پیمایند .

* □ رشد عقلانی در انسان دارای نموداری مجزا خواهد بود که با دو نمودار طبیعی و جنسیتی ، توان و نیروی مضاعفی می گیرد و رشد طبیعی و جنسیتی از امکانات عقل محسوب می شوند .

* □ اولین موضوع در رشد عقلانی ، فهم *خیر* و *شر* است . با بهره مندی از رشد عقلانی میزان خیر شناسی و خیر گزینی و در نهایت علم در فرد ، افزایش می یابد و در صورتی که انسان نتواند با قوه تعقل و تفکر ، خیر شناس و خیر گزین شود با تقویت قوای طبیعی ، میزان انحراف او بیشتر می شود .

* □ با تقویت تفکر و تعقل ، قدرت استفاده از *برهان* در فرد شکل می گیرد. *برهان* ، دلیل قاطع و روشن برای دستاوردهای علمی و عملی فرد است * . انسان برای بدست آوردن برهان نیازمند *بینه* است . بینه باعث جداسازی حق از باطل و درست از نادرست می شود و فهم آن فقط از مسیر تعقل میسر است . زیرا بینه همیشه از حقایق ثابت عالم بوده و حقیقت ثابت تنها با تعقل قابل رویت است .

◆ علم هایی که از ناحیه تعقل برای فرد حاصل می شود علم هایی *قطعی* هستند و بر اساس آن * الهام الهی* بر فرد جاری می شود و سایر علوم که از گزاره های ثابت عالم استخراج نمی شوند ، علوم *ظنی* هستند .

◆ رشد عقلانی بر رشد طبیعی فرد تاثیر مثبت می گذارد و گیرندگی فرد را نسبت به غیب و ملکوت بیشتر می نماید که حاصل آن *طیب خلق* و *طیب شدن شاکله* است .

◆ برای بدست آوردن دستاوردهای علمی و عملی شایسته ، لازم است رشد عقلانی با رشد طبیعی همزمان باشد .

◆ هر شناختی منجر به ایمان نمی شود . هر ایمانی نیز به عمل نمی رسد .

◆ مادر دردهای انسان ، عمل نکردن به دانسته های قطعی و یقینی اش است . این درد باعث اختلال در حواس و شناخت های بعدی او می شود و در عمل های بعدی نیز ، او را سست و بی انگیزه می نماید . بنابراین اولین مرحله اصلاح نفس در انسان ، عمل به دانسته های قطعی و جزمی است . ﴿اعمال ، حواس ، شناخت ، ایمان و توجه نفسانی به صورت زنجیر وار به هم متصلند و بر یکدیگر اثر می گذارند و بروز عمل سبب تجلی مراحل دیگر است .

□ در روایات ، اصلاح رفتارها در اولویت است . تفکر به عنوان بهترین عبادات محسوب می شود . بایدها و نبایدها هم در عمل و هم در الهام مورد توجهند ، زیرا از جهتی عملی اند و از جهتی نتیجه الهام یا وحی الهی اند .

□ مرز بین علوم شهودی و حضوری که با الهام و یا ذکر صورت می پذیرد ، با علوم حصولی که با تفکر تحقق می یابد ، مرز بین حاصل شدن چیزی برای انسان و شاهد بودن بر آن است ، بنابراین ممکن است در یک نمونه به جنبه حاصل شدن آن در وجود اشاره شود و ممکن است به همان از جنبه شاهد بودن آن در نفس ، توجه شود .

□ در تمامی مراحل رشد و نمودارهای آن ، انسان برای رسیدن به انسانیت ، هدایت ، نور و خروج از انواع ضلالت و ظلمات نیازمند رسول الهی ، وحی ، کتاب و بالاخص نظام امامت است . این نیاز در قرآن به نیاز انسان به * آب * تمثیل شده است و اگر کسی خود را از این مهم محروم کند ، بویی از هدایت و انسانیت نخواهد چشید .